

متفاوت است با عزت که در مهندسی اجتماعی برای هر مددکار تعییر می‌شود. در ادامه این نشست به این نکته پرداخته شد که باید توجه داشت در فرآیند دریافت مددنه تنها باید عزت مددجو مخدوش شود، بلکه باید عزتش تأمین نیز شود. پایابی در این زمینه معتقد است: «همه تراز فرآیند دریافت کمک و پیش از آن، فرآیند درخواست کمک است. تقاضا و درخواست مددنباید موجب افت عزت فرد مددجو شود. از نظر اختلالات اجتماعی فقدان عزت و کرامت مهم تراز فقدان مال فرد مددجو است. آن شکنندگی که فرد مددجو بهدلیل درخواست کمک پیدامی کند، هیچ‌گاه در اثر روش‌کست شدن برای او ایجاد نمی‌شود. ما باید بحث عزت را در امر مددکاری به گونه‌ای نهادیم که هم در بخش درخواست، هم در بخش دریافت مسئله حفظ عزت مددجو لحاظ شود.» انتقاد از برخی از شیوه‌ها مانند فرم برای درخواست کمک، مراجعته حضوری و ایستادن در صفح مسئله دیدگیری بود که در این نشست به آن پرداخته شد. به اعتقاد سخنران، مددجو باید به گونه‌ای تربیت شود که مسئله درخواست و دریافت مدد هیچ‌گاه باعث خروج او را چارچوب عزت نشود. در این نشست به مسئله و ساختار سیستم مددکاری در نیز پرداخته شد.

مددرسانی در حفظ و توسعه عزت

متعلق امداد مسأله بعدی است که در این نشست مورد واکاوی قرار گرفت. متعلق امداد یعنی امداد در چه زمینه‌ای صورت می‌گیرد؟ گاه امداد در زمینه نیازهای مالی فرد است، گاه نیازهای روانی او یا رفع آسیب‌های اجتماعی برای فرد نسبی دیده. بایانی در این زمینه می‌گوید: «در حفظ و توسعه عزت است؛ این مستفأوات است با اینکه من بخواهم امداد عزم‌نمدانه داشته باشم. من امدادگر یا باید از همه تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها بهره بگیرم تا عزت مددجو تأمین شود؛ پیش از زیانکه نان شب مددجو راتأمین یا مشکل اعتیادش راحل کنم. مدرسانی برای حفظ عزت برتمام اینها اولویت دارد.» رنه ژیار، فیلسوف غربی در این باره می‌گوید شروع دعواهای انسانی چشم و هم‌چشمی هاست. تقليد در داشتن چیزی‌هاي که امكان داشتن شان وجود ندارد، باعث دعوامي شود. اورترین اين مسأله با اشاره به مرحله آسيب‌ديگي در آستانه ذلت‌پذيری قرار می‌گيرد. ما باید در این مرحله به کمک مددجو بیاییم، پیش از اینکه به عملی ذلت‌آور اقدام کند؛ چه نامشروع، چه نامشروع. اساساً کسی که در یعنی مرحله آسيب‌ديگي است، آسيب‌های اخلاقی منحصر به فردی پيدا می‌کند، و بخراج این طمع یا به تعجب آيات قرآنی (قَدْ أَعْيُنَ) یا چشم و خشن. کسی که سیر است به خانه و خودرو و موبایل دیگران مدل‌العین نمی‌کند، اما کسی که مدام در وضع نیاز و بخراج است، طمع پیدا می‌کند.»

امدادگری عزتمندانه

«در آیات قرآن بارهای این موضوع اشاره شده که داشته‌های دارد و وضع نبود عفت و عدالت اجتماعی، اخلاقی نیستند. ملاعنه بر عزت باشد اخلاقیات فضای امداد را هم بررسی کنیم»، این گزاره دیگری است که در نشست تخصصی رابطه عزت و امداد مردم بررسی و تحلیل قرار گرفت. «با کدام نظریات یا تکنیک‌های اخلاقی می‌توان به مددجویانی که در موقعیت آسیب‌دیدگی قرار گرفته‌اند، مصوبات خلافی داد؟» با پایی بازدید این پرسش سعی دارد اهمیت پرداختن به این موضوع را به چالش بکشاند. اورداین باره‌می‌افزاید: «امر چهارم مکانیزم امداد است؛ بحث مدادگری عزتمندانه به این معنی است که مددکاری پیش از اعلام نیازمند رسانی مددجو بروند. در روایات داریم؛ شما باید پیش از بیار حاجت، نیاز بدارد زیرا یاهمسایه خود را برآورده کنید». با پایی با تأکید بر این مسئله که برعی از فضائل اخلاقی ما در رابطه با دیگران تعریف می‌شود، ادامه می‌دهد: «اگر من در خلوت و تنها بی خودنمایی خوبی خسین پسر داشته باشم، برای من فضیلت محسوب نمی‌شود. این نرمی کلام و خوش‌رویی زمانی ارزشمند است که آن را در وضع درد، نداشتن و سختی نشان دهدیم».

بابایی معتقد است: «اساسا از کرامت، تمدن به وجود نمی‌آید، بلکه این عزت سنت که تمدن را می‌سازد». او در تکمیل سخنان خود در این بخش می‌گوید: «شممانی توانید صرفاً با کمک انسان‌های با کرامت موج اجتماعی ایجاد کنید، ولی ننسان‌های عزمند من توانند. حتی می‌توانیم بحث عزت را به حیطه هویتی ببریم، مثلاً اگر تیمی عزیز بشود، می‌تواند پیغمبر شود، تمدنی به وجود بیاورد یا موجی جهانی ایجاد کند. با بد توجه داشته باشیم که نگاه کردن به یتیم به عنوان کسی که یادی به او ترحم کرد، قابلیت بسط اجتماعی ندارد. در پایان باید تأکید کنم که بحث عزت در امداد، بعثتی تقریباً جدید است و اگر آن را وارد بحث‌های اجتماعی کنیم، با نظامی از مسائل پیچیده مواجه خواهیم شد. لازم است در این حیطه تأمل و تفکر کنیم تا ابهامات کاملاً برطرف شوند».

حق وناحیق بودن مدد

در جامعه امروز ما بعضی واپستگی‌ها با عزت منافات ندارند. به عنوان مثال برخی افراد معتقدند وظیفه کمیته امداد کمک‌کردن به قشر آسیب‌دیده است، پس افراد برا در دخواست کمک احساس نمی‌کنند عزت شان را زیر یاری می‌گذارند. به عبارت دیگر این در دخواست‌ها را حق خود می‌دانند. نکته دیگر درباره حق و ساختار حق بودن مدد است. در جامعه امروز ما بعضی واپستگی‌ها با عزت منافات معتقدند. به عنوان مثال برخی افراد معتقدند وظیفه کمیته امداد کمک‌کردن به قشر آسیب‌دیده است، پس افراد برای دخواست کمک احساس نمی‌کنند عزت شان را زیر یاری می‌گذارند. به عبارت دیگر این در دخواست‌ها را حق خود می‌دانند. در پایان نشست برخی از محققان حاضر در جلسه پرسش‌هایی در باب «عزت واقعی و حس عزت»، «عزت و مسئله برآوری»، «بررسی‌های بودن عزت»، «نسبت بین مردم الهیات و اجتماعی در موضوع عزت»، «مدریتیه، نقش رسانه‌های مدرن و پرسنل سازی‌های مجازی در حس ذلت، حقارت و کوچکی» و «مفهوم و ماهیت عزت»



برگزاری موج



واکاوی جایگاه و ارتباط عزت در فرآیند امدادگری در نشست تخصصی «امداد، کرامت و عزت»

مدرسانی برای حفظ عزت

۲- شکنندگی ذلت برای مددجویی شتر از مشکلات اقتصادی است
۳- ماباید به کمک مددجویی ایم، پیش از آنکه به عملی ذلت آور اقدام کند؛ چه مشروع، چه نامشروع

[شهرهوند] نشست علمی-تخصصی «امداد، کرامت و عزت» با محور اصلی «بررسی جایگاه اخلاق در امدادگری» به همت جمعیت هلال احمر برگزار شد. در این نشست حجت‌الاسلام حبیب‌الله بابایی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مباحثی همچون مفهوم و مقایسه آن با «کرامت» و مقایسه آن با «عزت» را مطرح می‌کند و به تأثیر عزت در فرآیند امدادگری اشاره دارد. این مبحث با رهیافت اخلاق حرفه‌ای علاوه بر اینکه به عموم افراد جامعه درس تدریک و تنبیه می‌دهد، می‌تواند راهنمای عملی باشد برای کسانی که به امر یاریگری اهتمام دارند. در این نشست به موضوع امداد و کرامت و مسائل پیرامون آن پرداخته شده است؛ مانند برتری کرامت بر عزت و لزوم بازنمایی کرامت-محور رسانه‌ای، بابایی در ادامه به مسئله امداد فرهنگی و عزت از حیث الهیاتی می‌پردازد. او همچنین در این نشست مسئله امداد فرهنگی را در چهار محور بررسی می‌کند. آنچه در ادامه می‌آید گزارش «شهرهوند» از این نشست علمی-تخصصی است.

شوم، باید دیگران را عزیز کنم و به آنها احترام بگذارم.»

ابطه عزت و حقارت

حبيب الله^ع با بابی معتقد است در بسیاری از زمان‌ها عزت در پژوهش تحقیر آمیز را در می‌دهد. اور تفسیر این گزاره‌می گوید: «آنچی که بتوانیم در برابر عوامل تحقیرزا مقاومت کنیم و خود را نشکنیم عزت حاصل می‌شود. او راین باره می‌گوید: «در این بخش نقطه‌هایی وجود دارد که مارایه مسئله امدادگری می‌رساند: به‌این معنا که من بتوانم در هر بسته‌ی که نفس مرا تحقیر می‌کند، مکانیسمی پیدا کنم که ویروس‌های حقارت در وجود ننشینند». در ادامه مدیر مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی درباره نفاط اتصال عزت با بحث امداد بیان کرد: «عزت به عنوان یک امر وجودی در امر داشتن است، ولی از خودگذشتگی یک امر عدمی است و از جنسی نداشتن. به تعبیر اماموئل لویناس اساساً اخلاق از همدردی آغاز می‌شود، چون شما به خاطر درد دیگران خود را بی‌دلی دردمند می‌کنید، اما پرسش اینجاست

خلاصه اشاره به اهمیت درک ارتباط میان عزت و امداد و جای‌گذاری عزت در پروسه امدادی در مورد پیچیدگی‌های عزت در شبکه امدادی صحبت می‌کند. به اعتقاد این سخنران، امدادگری عزم‌مندانه جواب مختلفی دارد. او در مورد ابعاد امدادگری عزم‌مندانه در پیشینه اعتقادی اسلام می‌گوید: «از منظر قرآن، روایت و فلسفه اخلاق، تعاریف متعددی درباره موضوع عزت و کرامت مطرح می‌شود، ولی در هیچ‌کدام از این تعاریف نقابی میان عزت و کرامت وجود ندارد؛ به این معنا که بگوییم یا کرامت یا عزت، عزت یک کرامت اجتماعی شده یا به تعییری یک کرامت حداثتی است یا می‌توان گفت عزت، کرامتی است امتداد یافته از سمت فرد به سمت جامعه».

برای عزیز شدن؟ اصولاً چطور امکان دارد با از دست دادن، یک امر وجودی را به سست آورد؟

بابایی در توضیح این موضوع به کتاب «تعلیم و تربیت» استاد مطهری اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «یک (خود) که خوب دیدن آن عجب است. بزرگ دیدن ن کبر است. خواستن آن، خودخواهی و مذموم است. باید با او جهاد کرد. به او یا بدی به چشم دشمن نگاه کرد. باهواهای او باید مبارزه کرد. یک (خود) دیگر که باید ن را عزیز و مکرم و محترم داشت، باید حریت و آزادی اش را حفظ کرد، باید قوت و دلداری را حفظ کرد و آلوهه به ضعفنش نکرد.»

بیویت دار. اونویت داره.
جهت امدادگری عزمندانه
به این معنی است که
ممددکار پیش از اعلام نیاز
سراغ مددجو برود. در
وایات داریم: «شما باید
پیش از ابراز حاجت، نیاز
برادر دینی یا همسایه خود
آنچه ممکن باشد».

گر من در خلوت و تنهایی
خودم حسین پیش داشته
باشم، برای من فضیلت
محسوب نمی‌شود. این
زمی کلام و خوشروی
زمانی ارزشمند است که
ن رادر وضع درد، کمیود و
سختی، نشان دهد.

«حجت الاسلام حبیب الله بابایی» در بخش نخست سخنان خود به جایگاه و ارتباط عزت در فرآیند امدادگری ایران اشاره دارد و این مسأله را مطرح می‌کند

که عزت، کرامتی است امتدادیافته از سمت فرد به سمت جامعه. این استاد خلاق با اشاره به اهمیت درک ارتباط میان عزت و امداد و جایگذاری عزت در پیروزه امدادی در مورد پیچیدگی‌های عزت در شبکه امدادی صحبت می‌کند. به اعتقاد این سخنران، امدادگری عزتمدانه جوانب مختلفی دارد. او در مورد ابعاد امدادگری عزتمدانه در پیشینه اعتقادی اسلام می‌گوید: «از منظر قرآن، روایت و فلسفه اخلاق، تعاریف متعددی درباره موضوع عزت و کرامت مطرح شود، ولی در هیچ کدام از این تعاریف تقابی میان عزت و کرامت وجود ندارد؛ به این معنا که بگوییم یا کرامت یا عزت. عزت یک کرامت اجتماعی شده یا به تعبری یک کرامت حداکثری است یا می‌توان گفت عزت، کرامتی است امتدادیافته از سمت فرد به سمت جامعه».

انسان محترم؛ وجه مشترک کرامت و عزت

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مورا حرام بودن آدمی و ارزشمندی نفس انسانی را وجه مشترک معنایی کرامت و عزت می داند. این استاد دانشگاه ضمن اشاره به روایتی از امام علی (ع) درباره ابعاد دوگانه کرامت، کرامت انسانی را به دو بعد ذاتی و اخلاقی تقسیم می کند. به نگاه سخنران انسان با کرامت انسانی به دنیا می آید، ولی حفظ و بقای کرامت ذاتی و فردی کاملاً اختیاری است. او در تکمیل صحبت های خود در این بخش می گوید: «این بعد از کرامت در حدوث، غیراختیاری و در بقا، ذاتی است. اگر شما در گوشۀ اتفاق تنها باشید، ارزش ذاتی و نفسانی خود را داردید و برای حفظ چنین کرامتی ضرورت ندارد که در زیست جتمعی به سر بربرید».

بیوپاپ بیوپاپ، پریس مزون سنت جاست، بسته‌های و سخنی را زین ساخت مفهومی و ماهیت عزت (honor) و مقایسه آن با «کرامت» می‌پردازد. او عزت را مفهومی اجتماعی و برآمده از ارتباط فرد با دیگری می‌داند و با اشاره به مفهوم عزت (honor) در غرب و تعارض آن با تواضع از یک سو (در ادبیات مسیحی) و تضاد آن با دموکراسی و برایی (در ادبیات مدرن) به دوگانه عزت (به مثابه امری وجودی) و از خودگذشتگی (به مثابه امری عدمی و سلبی) پرداخت. او در پایان سخنان خود در این بخش به تبیین عزت در نگاه و باورهای اسلامی اشاره دارد و می‌گوید: «عزت نفس نه در مقابل با دیگران بلکه در بودن با دیگران و در خدمت دیگران بودن است».

عزت در تقابل با دیگران نیست

بـه نـگاه سـخـنـرـان باـيـد تـوـجـه دـاشـت كـه عـزـت نـه در تـقـابـل با دـيـگـران بلـكـه در بـودـن با دـيـگـران شـكـل مـيـكـرـد. او درـاـيـان بـارـه مـيـكـوـيد: «عـزـت در تـقـابـل با دـيـگـران نـيـسـت، بلـكـه بـراـبـر اـسـت با بـودـن با دـيـگـران، رسـيـدـگـي به آـهـا و حـفـظ حـرـمـت اـفـراد. اـگـر باـيـن نـگـاه به آـيـات قـرـآن باـحـورـيـت عـزـت نـگـاه كـنـيم، عـزـت نـه بـرـخـلـاف تـواـصـع اـسـت، نـه مـقـابـل بـراـبـر و دـمـكـرـاسـيـ. اـمامـعلـىـ(عـ) فـرمـاـيـد: «مـنـ ڪـتـبـتـ عـلـىـالـنـاسـ ذـلـلـ». هـرـ كـسـ بـه مـرـدمـ تـكـبـرـ كـنـد، خـوارـشـوـدـ. اـسـاسـاـ ذـلـلتـ بـرـآـمـدـهـ اـزـ تـكـبـرـ اـنسـانـ اـسـت. پـسـ كـسـيـ كـه تـواـصـع دـاشـتـه باـشـد، عـزـتـ بـيـداـمـيـ كـنـد. درـوـاقـعـ منـ باـتـوهـينـ بـه دـيـگـرانـ خـودـ رـاتـحـقـيرـمـيـ كـنـمـ، چـونـ خـودـ دـيـگـرانـ باـخـوـدـمـيـ مـشـتـركـ است. لـذـامـنـ نـمـ تـائـيه دـيـگـرانـ، اـلـهـاءـ قـارـدـهـ بـاـيـ، بـنـگـ وـعـزـشـشـدـنـ خـودـمـ. اـگـرـ بـخـاهـمـ عـزـتـ